

دولت بی پروزه و مردم مستأصل



علی ورامینی

دبیر گروه فرهنگ

مدتی است که هر روز تعدادی یادداشت به دستمان می‌رسد که همه یک فریاد مشترک دارند؛ به تنگ آمدن از وضعیت اقتصادی و ترس از اینکه هر روز در حال فقیرتر شدن اند. بسیاری از آنان نویسنده هم نیستند؛ یعنی از اهالی روزنامه‌نگاری، فرهنگی یا به قول معروف، اهل قلم نیستند. مردم عادی‌اند که از سر ناچاری به نوشتن پناه برده‌اند. مشخص است که برای اولین بار می‌خواهند کاغذی سیاه کنند. درحقیقت، آنان بیشتر روزنامه را همچون صحرائی دیده‌اند که می‌توانند در آن فریاد بزنند و شاید این فریاد به گوش کسی برسد. جز استیصال، ناامیدی و غم، همه این نوشته‌ها در یک نکته دیگر با هم اشتراک دارند؛ متفق‌القول معتقدند که مسئولان کشور درکی از آنچه به مردم می‌رود، ندارند. بیراه هم نیست. نه اینکه همه مسئولان الان در ثروت غلت می‌زنند. مسئله این نیست؛ مسئله نظام بوروکراتیک دولت و دیگر نهادهای تصمیم‌گیری است که آنچنان خود را زیر خورار شبه‌مسئله‌ها و مسائل بی‌اهمیت درون سازمانی دفن می‌کنند که دیگر نمی‌توانند به حل مسائل اساسی کشور-کاری که وظیفه ذاتی آن‌هاست-بپردازند. دولتی که پروژه ندارد و انگار می‌خواهد روز را شب کند و شب را روز، دچار چنین وضعیتی می‌شود. مثلاً اگر آقای پزشکبان پروژه خود را حل کردن معضل ابرتورم یا لااقل مهار آن می‌دید، آن وقت معاونان، وزرا و مدیران ارشد خود را به خط می‌کرد و هر روز می‌پرسید که برای حل این یک معضل مردم چه کردید؟ به وزیر اقتصادش می‌گفت: آقای وزیر اقتصاد، شما که از دانشگاه شیکاگو آمدی و به قدر دو مثنوی برنامه‌دانشی وقتی وزیر قبلی رفت، چه کردی و چه خواهی کرد برای این اقتصادی که شما سکان‌دارش هستی؟ یا اصلاً آقای فرزین، شما اگر ما هم کار به کارت نداشته باشیم، چطور شرم به شما اجازه می‌دهد که با این وضعیت ارزش پول -که حفظ آن مهم‌ترین و تنها کار شما باید می‌بود-هنوز سر جای خود ننشسته باشی؟ وزیر محترم امور خارجه، اصلاً گور پدر آمریکا؛ شما در این وضع و حالی که به هر میزان رابطه‌ای با جهان نیاز داریم، چرا تور سفرهای استانی می‌گذاری و از سمنان به سیستان می‌روی؟ یا رفقای شورای اطلاع‌رسانی، چرا الان که یک‌ونیم سال از دولت می‌گذرد، تازه به فکر افتاده‌اید که استراتژی رسانه‌ای «همه معضلات از دولت قبل است» را پیاده کنید؟ شوربختانه انگار رأی دولت هدف، پروژه و حتی امید برای برون‌رفت از این وضعیت ندارد که بخواهد مدیرانش را حول آن به خط کند. رئیس‌جمهوری که با شور و حرارت بی‌مثالی کارزار انتخاباتی را شروع کرد و سرش را برای وعده‌هایش به گرو می‌گذاشت، خیلی زود به وضعیت «خودت پایت را بمال» رسیده است و دائماً می‌گوید هر کس می‌تواند، بیاید کار را دست بگیرد و انجام دهد. فقط نمی‌گوید دقیقاً کدام کار را، چطور و از چه کسی تحویل بگیرد. البته که بی‌انصافی است اگر بدشانسی‌های دولت پزشکبان را نادیده بگیریم. بلا از همین روز اولی که تغال‌زد و تن و جان خودش لرزید، بلا از یمین و یسار نازل شد. ولی اینکه شانس را تنها عامل تأثیرگذار یک‌ونیم سال گذشته بدانیم هم چشم‌پست بر واقعیت است. بخش زیادی از وضعیت امروز، تر جیح پزشکبان بر وفای با تندروها به جای وفای با مردم است. مثلاً وقتی سران سه‌قوه و بسیاری دیگر معتقدند استمرار فیلترینگ از همه‌سو برای کشور ضرر دارد، پزشکبان وفای با اندک افراد موافق استمرار فیلترینگ و دبیرشان را ترجیح می‌دهد. یا وقتی همه نتخبگان یک‌صدامی‌گویند تا معضل سیاست خارجی ما حل نشود، او همچنان بر بی‌عملی محض در این حوزه اصرار دارد تا احتمالاً خاطر آنان که ایران را منزوی می‌خواهند، ناراحت نشود. وگرنه عامی و نخبه می‌دانند که پساجنگ ۱۲ روزه و تلاش رژیم اسرائیل برای هر روز منزوی‌تر کردن ایران و چشم‌داشت همسایه جنوبی به جزایر سه‌گانه و وضعیت اقتصادی، تلاشی بارها و بارها بیشتر از قبل می‌طلبد تا با اقدامات بدخواهان ایران مقابله شود. پرواضح است که در سیاست خارجی هیچ بازگویی بکار نکرده‌ای، قهر و انزوا نمی‌تواند توجیه را پیش ببرد. نمی‌دانم چه در ذهن و ضمیر آقای پزشکبان می‌گذرد، ولی می‌دانم که دغدغه مردم را دارد و به این وضعیت فکر می‌کند. احتمالاً او دچار «فرسایش شغلی» شده است. شاید بهتر باشد مرخصی چندروزه‌ای به خود بدهد، دست یوسف و دیگر فرزندان را بگیرد، از عالم و آدم و اخبار دور شود؛ فوتسال بازی کند و حتی یکی، دو جراحی قلب انجام دهد. ذهن‌اش را آرام کند و بعد از چندروز با یک پروژه ملی برگردد. شاید گریه‌گشوده شد. هیچ نگران هم نباشد؛ وضعیت این روزها با دولت و بی‌دولت خیلی توفیری ندارد.

۱۶ ساعت 24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس‌عبدی و احمدزیدآبادی
• سردبیر: محمدجوادروح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: همیهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱۰۶۱۹۳۳۰۰۰



عکس: ivaf.ir

سالتوی بنا به کشتی ایران

گفت‌وگو با علیرضا دبیر درباره موضع فدراسیون درقبال تغییر ملیت کشتی‌گیران ایرانی



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی همیهن

«باور کنید اگر در خانه کشتی، تشک هم جابه‌جا کنم، به سر مربیگری در کشورهای خارجی نمی‌انديشيم. اين ادعا شعار نيست و شايد در طول دوران فعاليت‌ام بارها آن را در عمل اثبات کرده‌ام.» کمتر کسی تصور می‌کرد این نقل قول آن هم از محمد بنا، روزی کاملاً معکوس و یکی از مربیان کارگشته و باتجربه ایران سرانجام سرمربی تیم ملی کشتی فرنگی آذربایجان شود. بنا گفته بود، طاقت دین پیروزی کشتی‌گیران خارجی مقابل کشتی‌گیران وطن را ندارم و از طرف دیگر تاکید کرده بود که نمی‌تواند به خودش اجازه بدهد به کشتی‌گیران خارجی فنونی در آموزش دهد که باعث زمین خوردن کشتی‌گیران ایرانی شود. حالا اما می‌توان به این موضوع رسید که «پول» می‌تواند محمد بنا را هم برخلاف عقایدی که دارد، نرم کند. او هفته گذشته رسماً سرمربی تیم ملی بزرگسالان کشتی فرنگی آذربایجان شد و در اولین اقدام، در تلاش برای متقاعد کردن کشتی‌گیران ایرانی، برای حضور در تیم ملی این کشور است. موضوعی که باعث‌شده برخی کشتی‌گیران ایرانی وسوسه شوند و چالش‌های جدیدی برای کشتی ایران به‌وجود بیاید. در این باره و البته نگرش فدراسیون کشتی ایران گفت‌وگویی با علیرضا دبیر داشتیم تا نقطه نظر ایشان را در خصوص مهاجرت احتمالی برخی کشتی‌گیران ایرانی به کشورهای دیگر بدانیم.

▼ خواسته قدیمی بنا محقق شد

محمد بنا بعد از عدم موفقیت در مسابقات بین‌المللی در سال ۲۰۲۲ در حالی از سمت‌اش کناره‌گیری کرد که مدتی طولانی هم از کشتی و اخبار فاصله گرفت. همان دوران خبر مذاکره محمد بنا با فدراسیون کشتی آذربایجان مطرح شد که علیرضا دبیر و حسن سوربان در جلسات مختلف خواستار بازگشت این مربی به کشتی ایران شدند، اما بنا قبول نکرد و کنار رفت. البته حسن رنگرز، جانشین محمد بنا شد و نتایج کشتی فرنگی بار دیگر به‌سمت مدال‌های رنگارنگ رفت تا فدراسیون کشتی با جدایی محمد بنا متضرر نشود. در سال ۱۴۰۲ محمد بنا، بار دیگر با فدراسیون کشتی آذربایجان مذاکره کرد اما بسته پیشنهادی او با مخالفت آذربایجانی‌ها همراه شد. بسیاری تصور می‌کردند که بنا نمی‌خواهد بر اساس خلیقات میهن‌پرستی که دارد، مربیگری در کشور دیگری را بپذیرد اما بسته پیشنهادی محمد بنا چنان عجیب بود که آذربایجانی‌ها زیر بار این پیشنهاد نرفتند. محمد بنا گفته بود، باید در کنار مربیگری در تیم بزرگسالان، مدیریت تیم‌های جوانان و نوجوانان را به او سپارند تا او مربیان دلخواه خودش را از ایران به این کشور بیاورد که با مخالفت شدید رئیس فدراسیون آذربایجان همراه و در نهایت این مذاکره با وجود سفر چندروزه بنا به این کشور متوقف و لغو شد. این بار اما آذربایجانی‌ها به محمد بنا پیشنهاد عقد قرارداد یک‌ساله، فقط برای تیم ملی بزرگسالان را دادند که مورد موافقت ایشان قرار گرفت و برخلاف آنچه قبلاً اعلام کرده بود، او از ایران رفت و سرمربی یک تیم ملی خارجی شد.

▼ هشدار دبیر

از همین حالا رسول جزینی، دستیار محمد بنا در تیم ملی کشتی آذربایجان، باب مذاکره با برخی کشتی‌گیران فرنگی را باز کرده است. نشان به آن نشان که یکی از کشتی‌گیران سنگین‌وزن در رشته فرنگی که فعلاً از آوردن نام‌اش خودداری می‌کنیم، بیش از سه‌روز است که در تمرینات تیم ملی غیبت دارد؛ چرا که یکی از دستیاران محمد بنا با این کشتی‌گیر صحبت کرده تا رضایت‌اش را جلب کند که برای تیم ملی آذربایجان کشتی بگیرد. در این باره اما موضوع فدراسیون کشتی ایران، چیست؟ علیرضا دبیر در گفت‌وگو با روزنامه همیهن می‌گوید، فدراسیون موضع قاطعی در این باره

دارد: «ما چنین اجازه‌ای به کشتی‌گیر ملی‌پوش‌مان نمی‌دهیم که کشتی ایران را رها کرده و به تیم ملی کشور دیگری برود، اما یک تبصره دارد که باید توضیح دهیم. به‌طور مثال علی ارسلان از کشتی‌گیران خوب کشورمان است. او با ما مذاکراتی داشت درباره اینکه به‌صورت موقت، برای تیم ملی کشتی کشوری دیگر، روی تشک برود و بعد از پایان مسابقات، به ایران برگردد. ما هم به او اجازه دادیم. وقتی فدراسیون کشتی چنین اجازه‌ای می‌دهد به‌معنای پناهنده شدن آن کشتی‌گیر یا تغییر تابعیت او نیست، بلکه با مجوز ماکشتی گرفته و بعد پاسپورت موقت ورزشی را تحویل می‌دهد و همچنان شهروند ایران می‌ماند.» دبیر می‌گوید، نسبت به کشتی‌گیرانی که بخواهند پناهنده کشور دیگری شوند، موضع سختی دارد: «اما اگر کشتی‌گیران رتبه یک و دو ایران در اوزان، خودشان بخواهند برای کشور دیگری پناهنده شوند و کشتی بگیرند، ما بهیچ‌عنوان اجازه نمی‌دهیم؛ مگر اینکه خودشان تصمیم شخصی بگیرند که از ایران بروند.»

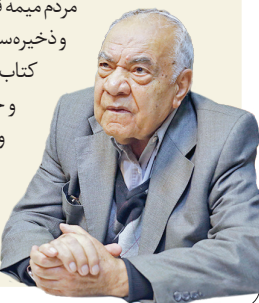
▼ ماجرای پسر فردین معصومی

یکی از چالش‌های جدید فدراسیون کشتی ایران؛ ماندن یا رفتن امیررضا معصومی -دارنده مدال طلای نوجوانان، جوانان و زیر ۲۳ سال جهان -به کشور آذربایجان است. فردین معصومی که خودش از کشتی‌گیران بنام کشور و پدر امیرزاسست، تمایل دارد فرزندش برای تیم ملی کشتی آذربایجان کشتی بگیرد اما فدراسیون کشتی و شخص علیرضا دبیر، مخالف صددرصد این ماجرا هستند. دبیر درباره جدایی امیررضا معصومی ۲۲ ساله و ملحق شدن به تیم محمد بنا، چنین گفت: «بهیچ‌عنوان اجازه چنین کاری را به امیر رضا نمی‌دهیم. ایشان و سایر کشتی‌گیران ایران، با مالیات همین مردم که در شرایط سخت اقتصادی زندگی می‌کنند، به اینجا رسیدند. ما هزینه کردیم تا کشتی‌گیران ایرانی رشد کنند و مدال بیاورند. بعد برای برداشت محصول و ثمره کار خودمان، کشتی‌گیر رها کند و به کشور دیگری برود؟ این یک حرکت غیراخلاقی و البته اقدامی علیه مردم ایران است. شما باید افتخار کنید برای ایران کشتی بگیرید و مردم ایران را خوشحال کنید، نه اینکه اینجا پرورش پیدا کنید و در روزهای اوج خودتان برای پرچم کشور دیگری و علیه ایران کشتی بگیرید.» فردین معصومی اما بعد از قهرمانی بانک شهر در لیگ برتر ایران که با پیروزی امیررضا -پسرش- همراه شد، مقابل دوربین رسانه‌ها از دبیر خواش کرد تا مانع از رفتن امیررضا به آذربایجان نشود تا او به پیشرفت‌اش ادامه دهد. دبیر اما در ادامه افزود: «برخی کشتی‌گیران ایرانی هستند که رتبه یک و دووزن خودشان نیستند، ما به‌صورت موقت اجازه می‌دهیم که برای کشور دیگری در مسابقات شرکت کنند که از شرایط آرمانی و بدنی خود خارج نشوند. پاسپورت موقت ورزشی می‌گیرند و دوباره برمی‌گردند. به‌طور مثال پیمان بیابانی هم مثل علی ارسلان با مجوز فدراسیون کشتی در مسابقات برون‌مرزی، کشتی گرفت و دوباره به وطن برگشت و پاسپورت موقت‌اش را هم تحویل داد. اما اگر کشتی‌گیری بدون رضایت و اجازه ما برای کشور دیگری مسابقه بدهد، او پناهنده محسوب می‌شود. کشتی‌گیر ایرانی باید یاد بگیرد اگر در مسابقات ای شکست خورد، مردانه ایستادگی و رقابت کند نه اینکه سریع با اولین پیشنهاد خارجی ملیت خود را تغییر دهد.» علیرضا دبیر، آب پاکی را روی دست کشتی‌گیرانی ریخت که بعد از حضور محمد بنا وسوسه شدند که ملیت خود را تغییر دهند: «ما فقط به کشتی‌گیران ایرانی اجازه کشتی گرفتن موقت برای کشور دیگری را می‌دهیم که حداقل سه‌سال از حضورشان در مسابقات بین‌المللی رسمی مثل مسابقات جهانی و... گذشته باشد؛ در غیر این صورت کشتی‌گیران رتبه اول و دوم هر وزن که ملی‌پوش هستند، با پاسخ منفی فدراسیون روبه‌رو خواهند شد. من نکات لازم را به امیررضا معصومی گفتم. امیدوارم تصمیمی بگیرد که فردا روز، راز برگشتی نباشد؛ چون مطمئن باشید کشورهای دیگر دلشان برای کشتی‌گیران جوان ما نمی‌سوزد.» باید دید برخی کشتی‌گیران ایرانی که حالا قصد دارند برای تیم ملی آذربایجان به مبارزه بپردازند، در نهایت چه تصمیمی خواهند گرفت.

چهره

درگذشت عالم قنات

دوشنبه شب، جواد صیفی‌نژاد، پژوهشگر، انسان‌شناس و جغرافیدان برجسته ایرانی که به پدر مطالعات و پژوهش‌های قنات در ایران معروف و ملقب به پدر کاریز ایران بود، در ۹۶ سالگی درگذشت. این پژوهشگر سال ۱۳۰۸ در شهر ری متولد شد و پس از تحصیل در رشته‌های تاریخ، جغرافیا و علوم اجتماعی، بخش مطالعات و تحقیقات عشایری دانشگاه تهران را پایه‌گذاری کرد. این پژوهشگر که نقش مؤثری در شناخت و مستندسازی قنات‌ها، ایلات و زندگی عشایر ایران ایفا کرد، پژوهش‌های گسترده‌ای هم درباره ساختار اجتماعی، سنت‌ها و رده‌های قدرت در میان عشایر و جوامع روستایی ایران انجام داده و بند قنات (سری نهفته در دل خاک) مهم‌ترین پژوهش اوست که از دل آن، سازوکار سنتی که مردم میمه قرن‌ها از آن آگاه بودند و به صرفه‌جویی و ذخیره‌سازی آب کمک می‌کرد را کشف کرد. کتاب‌های «کتاب جهان‌نما» (جغرافیای ایران و جهان)، «نظام سسنتی آبیاری در نائین» و «مبانی جغرافیای انسانی» از جمله آثار اوست. این پژوهشگر پس از سال‌ها تحقیق و پژوهش در سومین روز از زمستان سال ۱۴۰۴ درگذشت.



کتابخانه

روایتی انسانی از اقتصاد

کتاب «اقتصاد از دیدگاه انسانی» نوشته محمد طیبیان، به‌تازگی از سوی نشر نری وارد بازار شده است که به‌طور مؤثر و قابل‌فهمی، مفاهیم پیچیده اقتصاد را از دیدگاه انسانی و اخلاقی توضیح می‌دهد. طیبیان در این کتاب با تکیه بر فلسفه حقوق طبیعی و تفکرات عصر روشنگری، شکل‌گیری ایده‌هایی مانند بازار آزاد، منافع فردی و عدالت اجتماعی و تأثیرگذاری این مفاهیم را به‌صورت مستقیم بر چهره جوامع و توسعه اقتصاد جهانی نشان می‌دهد. این کتاب با مرور تفکرات افرادی چون آدام اسمیت، کارل مارکس، جان مینارد کینز و میلتون فریمن، به‌ویژه در قالبی غیرریاضی و قابل‌فهم، اقتصاد را به‌عنوان دانشی انسانی معرفی می‌کند که هدف آن فقط تحلیل نمودارها و اعداد نیست، بلکه درکی عمیق از زندگی، رفاه و چالش‌های اجتماعی انسان‌هاست. این اقتصاددان ایرانی به‌صورت شفاف و ساده، تاریخ‌نگاری اقتصادی را به‌عنوان ابزار فکری برای تحلیل سیاست‌های عمومی و مشکلات اقتصادی روز ایران و جهان معرفی می‌کند. این اثر برای دانشجویان، سیاست‌گذاران و عموم خوانندگان که به دنبال درک بهتر از چگونگی شکل‌گیری ثروت، فقر و رفاه در جوامع هستند، مفید است. نشر نی، این کتاب را در ۳۷۷ صفحه و به قیمت ۶۶۰ هزار تومان منتشر کرده است.



کتاب: اقتصاد از دیدگاه انسانی نویسنده: محمد طیبیان انتشارات: نی

تاریخ

اعدام چائوشسکو



نیکولا چائوشسکو از سال ۱۹۶۵، قدرت را در رومانی در دست داشت. پلیس مخفی او، سکوریتاته، مسئول نظارت گسترده و نیز سرکوب شدید و نقض حقوق بشر درون کشور بود و رسانه‌ها را کنترل می‌کرد. پروژه‌های نفتی ناکام در دهه ۱۹۷۰، بدهی‌های خارجی سر به فلک کشیده‌ای برای کشور به‌بار آورد. تلاش‌های چائوشسکو برای پیاده‌سازی سیاست‌هایی برای رشد جمعیت، باعث شمار فزاینده‌ای سقط‌جنین‌های نائیم و افزایش تعداد کودکان یتیم شد. تلاش او برای بازپرداخت بدهی‌های خارجی از طریق افزایش تولید کشاورزی و صنعتی هم به‌همه‌پیمبندی سنگین غذا، آب، گرمایش، برق و دارو انجامید. در همین زمان خوشبوندگرایی و کیش شخصیت او بالا گرفته بود و حتی منجر شد به تیرگی روابط‌اش با شوروی. او در آخرین سفر خارجی‌اش در تهران به‌سر می‌برد و بعد از این سفر، در پاسخ به ناآرامی‌ها، دستور برگزاری تظاهراتی نمایشی و پخش مستقیم آن را از تلویزیون در ۲۱ دسامبر داد؛ غافل از اینکه معترضان در این مراسم حضور داشتند و با هو کردن او، اقتدارش را زیر سوال بردند. بدین ترتیب قدرت چائوشسکو در کمتر از چندروز فرو ریخت و او در ۲۵ دسامبر ۱۹۸۹ به‌دست انقلابیون تیرباران شد.